

به‌عنوان آیاک به درجه تناظر آن با معیار کنترل سراسری بستگی دارد. معیار کنترل سراسری می‌تواند تعیین‌کننده تأیید یا عدم تأیید پشتیبانی القاعده در عراق و گروه‌های جهادی توسط ترکیه، عربستان و دیگر کشورهای عربی باشد. و نیز در این زمینه، تغییر راهبرد نیروهای ایالات متحده در ۱۰ ژوئن ۲۰۰۷ برای تسلیح گروه‌های مسلح سنی برای مقابله با القاعده (Burns & Rubin, 2007)، گروه‌هایی که بعداً به منازعه با دولت عراق پرداختند، قابل آزمون است. اگر تناظر با معیارهای کنترل سراسری را در این وضعیت‌ها، و همچنین در مقابل، حمایت ایران از گروه‌های شیعه را مفروض بگیریم تناقض مداخله در حمایت از دولت و گروه‌های مخالف آن در نقاطی تحت حقوق بشردوستانه بین‌المللی مسئله است. در باب نایاک رخ داده در این فاز، اینکه یک منازعه در خود یک نایاک است یا به نایاک تحول یافته است، تأثیری در کاربست حقوق بشردوستانه بین‌المللی بر آن نخواهد داشت. بنابراین، آیاک داخلی شده با هدف کاربست حقوق بشردوستانه بین‌المللی خود یک نایاک است، اگرچه به لحاظ فرایندی متفاوت از آن است و البته از منظر روابط بین‌المللی، بر خلاف حقوق بشردوستانه بین‌المللی، این دو نه به لحاظ ماهوی و نه فرایندی یکسان نیستند.

در میدان نبرد عراق دوره بین ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۲ دوره گذار محسوب می‌شود که تفسیر خشونت رخ داده در آن به‌عنوان نایاک بحث‌انگیز است. آنچه به واقع در این فاز با خروج نیروهای آمریکا از عراق بین ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۱ در جریان بوده، به‌عنوان خشونت‌های پراکنده قابل تعیین است^(۳)، امری که قابلیت کاربست حقوق بشردوستانه بین‌المللی بر آن را سؤال‌برانگیز می‌کند^(۴). اما در مقابل، در حالی که پروتکل الحاقی دوم قابلیت کاربست ندارد، این استدلال امکان‌پذیر است که نایاک، در آستانه ماده ۳ مشترک کنوانسیون‌های «ژنو»، در این فاز نیز در جریان بوده است^(۵). دستگیری و سرکوب رهبران شورشی اهل سنت توسط دولت در این فاز، به‌عنوان یک اقدام پیش‌گیرنده توسط نخست‌وزیر مالکی تفسیر شد که کاربست‌پذیری حقوق بشردوستانه بر آن سؤال‌برانگیز است. در اینگونه شرایط «هر گونه توسل به زور توسط مقامات دولتی تحت حکم‌فرمایی استانداردهای